

## فارسی ۱

### ستایش: به نام کردگار

تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	.....		فلک	جمع فلک، آسمان‌ها	افلاک
نمونه در متن: به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	.....	<input type="checkbox"/> رزاق <input type="checkbox"/> زذاق	رزق، رازق	روزی دهنده	رزاق
نمونه در متن: نویی رزاق هر پیدا و پنهان نویی خلاق هر دانا و نادان (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	.....	<input type="checkbox"/> زهی <input type="checkbox"/> زحی <input type="checkbox"/> ذهی	-	هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می‌شود. خوشا، آفرین، شگفتا	زهی
نمونه در متن: زهی گویا ز تو، کام و زبانم نویی هم آشکارا، هم نهانم (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	.....	<input type="checkbox"/> فروغ <input type="checkbox"/> فروق	-	روشنایی، پرتو	فروغ
نمونه در متن: فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	.....	<input type="checkbox"/> فضل <input type="checkbox"/> فظل	فاضل، تفضیل	لطف، توجه، رحمت، احسان	فضل
نمونه در متن: الهی، فضل خود را یار ما کن ز رحمت، یک نظر در کار ما کن (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	.....	-	-	دهان	کام
نمونه در متن: زهی گویا ز تو، کام و زبانم نویی هم آشکارا، هم نهانم (ص ۱۰)					
واژه‌های داخل متن					
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	.....	-	حقایق	حقیقتاً	حقیقت
نمونه در متن: جو در وقت بهار آبی بیدار حقیقت، پرده برداری ز رخسار (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	.....	-	-	یقیناً	یقین
نمونه در متن: همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	.....	-	-	به این خاطر، از این رو	از آن
نمونه در متن: گل از شوق تو خندان در بهار است از آتش رنگ‌های بی‌شمار است (ص ۱۰)					

گنج حکمت: پیرانهی خرد		درس یکم: چشمه			
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	مترادف	واژه
□□□□ □□□□	.....	برازندگی <input type="checkbox"/> برازنده گی <input type="checkbox"/>	-	شایستگی، لیاقت	برازندگی
(ص ۱۴)		کند از پرتو من زندگی می کند		گل به همه رنگ و برازندگی	نمونه در متن
□□□□ □□□□	.....	-	پیرایش، پیراسته	زیور و زینت	پیرایه
(ص ۱۴)		باغ ز من صاحب پیرایه شد		ابر ز من، حامل سرمایه شد	نمونه در متن
□□□□ □□□□	.....	-	-	تندرو، تیزرو	تیزبیا
(ص ۱۳)		زن، چهره نما، تیزبیا	غلغله	گشت یکی چشمه ز سنگی جدا	نمونه در متن
□□□□ □□□□	.....	-	جفا	ستمگر، ظالم	جافی
(ص ۱۷)				بارها دست برد زمانه ی جافی را دیده بود.	نمونه در متن
□□□□ □□□□	.....	<input type="checkbox"/> حاذم <input type="checkbox"/> هازم <input type="checkbox"/> حازم	حزم	محتاط	حازم
(ص ۱۷)				در آنگیزی سه ماهی بود: دو حازم، یکی عاجز.	نمونه در متن
□□□□ □□□□	.....	-	-	سرگشته، حیران، فرومانده	خیره
(ص ۱۴)		کز همه شیرین سخنی، گوش ماند		لیک چنان خیره و خاموش ماند	نمونه در متن
□□□□ □□□□	.....	-	-	هجوم و حمله؛ دست برد دیدن: مورد حمله و هجوم قرار گرفتن	دست برد
(ص ۱۷)				آن که دست برد زمانه ی جافی را دیده بود.	نمونه در متن
□□□□ □□□□	.....	-	شکننده	پیچ و خم زلف	شکن
(ص ۱۴)		ماه ببیند رخ خود را به من		چون بگشایم ز سر مو، شکن	نمونه در متن
□□□□ □□□□	.....	<input type="checkbox"/> صورت <input type="checkbox"/> صورت	تصوّر، متصوّر	به نظر آمدن، تصوّر شدن	صورت شدن
(ص ۱۷)				چون صورت شد که مرده است [ماهی را] بینداخت.	نمونه در متن
□□□□ □□□□	.....	غلغله زن <input type="checkbox"/> قلغله زن <input type="checkbox"/>	-	شور و غوغاکنان	غلغله زن
(ص ۱۳)		غلغله زن، چهره نما، تیزبیا		گشت یکی چشمه ز سنگی جدا	نمونه در متن
□□□□ □□□□	.....	-	تفرّج	گشایش، گشایش در کار و از میان رفتن غم و رنج	فرج
(ص ۱۶)		هر جا که تویی تفرّج آن جاست		ما را سر باغ و بوستان نیست	نمونه در متن
□□□□ □□□□	.....	-	-	بوته یا درخت گل، به ویژه بوته ی گل سرخ	گلبن
(ص ۱۴)		تاج سر گلبن و صحرا، منم		گفت در این معرکه یکتا منم	نمونه در متن
□□□□ □□□□	.....	-	-	میدان جنگ، جای نبرد	معرکه
(ص ۱۳)		تاج سر گلبن و صحرا، منم		گفت در این معرکه یکتا منم	نمونه در متن
□□□□ □□□□	.....	-	کید	جمع مکیدت، مکرها، حيله ها	مکاید
(ص ۱۷)				عاقل در دفع مکاید دشمن تاخیر صواب نیبند.	نمونه در متن

○○○ ○○○	.....	-	موعود، وعده	وعده، قرار؛ میعاد نهادن: قرار گذاشتن	میعاد
(ص ۱۱۷)	دو صیاد، با یکدیگر میعاد نهادند که دام بیارند و هر سه ماهی را بگیرند.				نمونه در متن
○○○ ○○○	.....	-	نادر، نوادر	بی‌همتا، شگفت‌آور	نادره
(ص ۱۱۲)	سهمگنی، نادره جوشنده‌ای				نمونه در متن
○○○ ○○○	.....	نَمَطٌ □ نَمَتٌ □	-	روش، طریقه؛ زین نمط: بدین ترتیب	نمط
(ص ۱۱۴)	رفت و ر مبدأً چو کمی گشت دور				نمونه در متن
○○○ ○○○	.....	-	-	منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی، مقصود از «پرده‌ی نیلوفری»، آسمان لاجوردی است.	نیلوفری
(ص ۱۱۲)	کیست کند با چو منی همسری؟				نمونه در متن
○○○ ○○○	.....	ورطه □ ورته □	-	گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری	ورطه
(ص ۱۱۲)	خویشتن از حادثه برتر کشد				نمونه در متن
○○○ ○○○	.....	-	-	غوغا، داد و فریاد، شلوغی	هنگامه
(ص ۱۱۴)	وان همه هنگامه‌ی دریا بدید				نمونه در متن
○○○ ○○○	.....	-	-	رها، آزاد؛ یله دادن: تکیه دادن	یله
(ص ۱۱۴)	داده تنش بر تن ساحل، یله				نمونه در متن
<b>واژه‌های داخل متن</b>					
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
○○○ ○○○	.....	-	-	بیابان بی‌آب و علف، دشت، بیشه	صحرا
(ص ۱۱۳)	تاج سرگلین و صحرا منم				نمونه در متن
○○○ ○○○	.....	-	-	برابر، هم‌طراز، هم‌سنگ	همسر
(ص ۱۱۲)	کیست کند با چو منی همسری؟				نمونه در متن
○○○ ○○○	.....	زهره □ زهره □	-	زهرآبدان یا کیسه‌ی صفرا، (امروزه مجاز از دلیری و شجاعت)	زهره
(ص ۱۱۲)	در دیده سیه کرد، شده زهره				نمونه در متن
○○○ ○○○	.....	-	-	دقیقاً	راست
(ص ۱۱۲)	داده تنش بر تن ساحل، یله				نمونه در متن
○○○ ○○○	.....	-	-	ساکت و بی‌صدا	خاموش
(ص ۱۱۴)	کز همه شیرین سخنی، گوش ماند				نمونه در متن
				لیک چنان خیره و خاموش ماند	

## جفت‌های املایی

تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
□□□ □□□	.....	<input type="checkbox"/> مبدأ <input type="checkbox"/> مبدع	ابتدا، بادی (آغاز)	آغاز، اصل	مبدأ
ص ۱۴	رفت و ز مبدأ جو کمی گشت دور	شده از غرور	رین نمط آن مست	نمونه در متن	
□□□ □□□	.....	<input type="checkbox"/> مُبدع <input type="checkbox"/> مُبدأ	بدیع، بدعت، بدایع	کسی که چیز تازه‌ای بیاورد، نوآور	مُبدع
	که بر آرد فرع بی اصل و سند	مُبدع آمد حق و مبدع آن بود	نمونه در متن		



# مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)